

**رنالیسم تدافعی و تهاجمی**  
**(چارچوبی تئوریک برای تحلیل وقایع و رخداد‌های حوزه خلیج فارس)**

هادی آجیلی<sup>۱</sup>

نیما رضایی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

**چکیده:**

یکی از پارامترهای اصلی در بررسی نظریه‌های «اثبات‌گرا»ی روابط بین‌الملل را «قدرت تبیینی» این نظریه‌ها می‌دانند. چنانچه نظریه‌ای بتواند طیف وسیع‌تری از رویدادها را «تبیین» نماید، آن نظریه دارای «قدرت تبیینی» بالاتری می‌باشد. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال اصلی که «کدام‌یک از نظریه‌های روابط بین‌الملل بهتر می‌توانند وقایع و رخداد‌های امنیتی-نظامی منطقه خلیج فارس را تبیین نمایند؟» بدین منظور با بهره‌گیری از تقسیم‌بندی «تالیافرو» در دسته‌بندی نظریه‌های مختلف رنالیسم ضمن بررسی پاره‌ای از این نظریه‌ها نظیر «موازنه قدرت» والتز، «موازنه تهدید» والت، «موازنه تهاجم-دفاع» استنفان وان اورا، توماس کریستنسن و جک اسنایدر؛ «موازنه تهاجم-دفاع» چارلز گلیسر و حایم کافمن و «سیاست قدرت‌های بزرگ» جان میرشایمر این نظریه‌ها را در یک چارچوب وسیع‌تر با عنوان «رنالیسم تدافعی و تهاجمی» انگاشته و براساس آن این‌گونه نتیجه‌گیری می‌نماید که مخرج مشترک تمامی این نظریه‌ها را می‌توان موضوع «معمای امنیتی» دانست و بسیاری از وقایع و رویداد‌های منطقه خلیج فارس را ناشی از دو معمای امنیتی شکل گرفته در سطح منطقه یکی برای جمهوری اسلامی و دیگری برای کشورهای عربی منطقه دانست که با ارائه شاخص‌هایی می‌توان بر این معماهای امنیتی غلبه نمود. بنابراین هدف مقاله ارائه نظریه‌ای عام می‌باشد که بتواند نشان دهد «ایران هراسی» کشورهای غربی و عربی منطقه کاملاً تصنعی و بی‌ربط می‌باشد و کنش‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی می‌باید براساس رنالیسم تدافعی که مطابق آن هدف اصلی کشورها افزایش «امنیت» نسبی می‌باشد تحلیل گردد و نه براساس رنالیسم تهاجمی که مطابق آن کشورها به دنبال افزایش «قدرت» نسبی خود می‌باشند. بنابراین جهت‌گیری‌های نظامی جمهوری اسلامی تدافعی بوده و تنها افزایش «امنیت» را دنبال می‌نماید و جمهوری اسلامی هرگز به دنبال افزایش «قدرت» خود نیست.

**کلیدواژه‌ها:** رنالیسم تهاجمی، رنالیسم تدافعی، معمای امنیتی، خلیج فارس، موازنه‌سازی.

۱- استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

۲- کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

## مقدمه

نظریه‌های «اثبات‌گرا»<sup>۱</sup>ی روابط بین‌الملل که با عنوان «جریان اصلی»<sup>۲</sup> یا «خردگرایان»<sup>۳</sup> شناخته می‌شوند، معیارهای مختلفی برای انتخاب یک نظریه به کار می‌گیرند که یکی از آن‌ها «تأییدگری/ دامنه»<sup>۴</sup> می‌باشد. «تأییدگری/ دامنه به معنی وسعت دامنه رویدادهای مختلف و انواع رویدادهایی است که می‌توان از قوانین نظریه استنباط کرد» (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۸۱). «تأییدگری/ دامنه» را با «قدرت تبیینی» معادل می‌دانند. به عبارت دیگر چنانچه نظریه‌ای بتواند طیف وسیع‌تری از رویدادها را «تبیین» نماید، آن نظریه دارای «قدرت تبیینی»<sup>۵</sup> بالاتری می‌باشد.

یکی از دغدغه‌های متفکران «اثبات‌گرای» روابط بین‌الملل نیز همین موضوع می‌باشد. این موضوع تا بدانجا اهمیت دارد که «یکی از آرزوهای دیرین خردگرایان و به ویژه نواقع‌گرایان این بوده که نظریه‌ای عام در مورد روابط بین‌الملل تدوین کنند که مفروضه‌های اصلی آن به اندازه‌ای قوی باشند که بتوانند خصوصیات بنیادین روابط بین‌الملل را، صرف‌نظر از دوران‌های تاریخی خاص یا تفاوت‌های موجود در خصوصیات داخلی دولت‌ها، تبیین کنند» (رویس اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۹۲).

بدین‌سان یک نظریه باید بتواند با استفاده از مفروضه‌های خود رویدادهای مختلف را تبیین نماید. این پژوهش در پاسخ به این پرسش اصلی که «کدام‌یک از نظریه‌های روابط بین‌الملل بهتر می‌توانند وقایع و رخداد‌های امنیتی-نظامی منطقه خلیج فارس را تبیین نمایند؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «تئوری‌های رئالیسم تهاجمی و تدافعی که در دو دسته اصلی نئورئالیسم و رئالیسم نئوکلاسیک طبقه‌بندی شده‌اند، بهتر می‌توانند وقایع و رویدادهای منطقه را تبیین نمایند».

در این پژوهش پس از معرفی زوایای مختلف نظریه‌های فوق‌الذکر، بهترین نظریه‌ها که با ویژگی بالا دسته‌بندی شده‌اند را نظریه‌های «موازنه قدرت» والتز، «موازنه تهدید» والت، «موازنه تهاجم-دفاع» استفان وان اورا، توماس کریستنسن و جک اسنایدر؛ چارلز گلیسر و حایم کافمن و نهایتاً «سیاست قدرت‌های بزرگ» جان میرشایمر برمی‌شمارد.

«رئالیست‌های تهاجمی» هدف دولت‌ها را افزایش بیشتر و بیشتر قدرت می‌دانند تا دولت موقعیتی هژمونیک در نظام بین‌الملل پیدا کند. در مقابل «رئالیست‌های تدافعی» دلمشغولی دولت‌ها را نه

<sup>1</sup> Positivist

<sup>2</sup> Main Stream

<sup>3</sup> Rationalist

<sup>4</sup> Corroboration/range

<sup>5</sup> Explanatory Power

## ← رنالیسم تدافعی و تهاجمی ۱۶۷

به حد اکثر رسانیدن قدرت، بلکه حفظ موقعیت آن‌ها در نظام بین‌الملل می‌داند، بنابراین دست‌یابی به «امنیت» بالاترین هدف دولت‌ها می‌باشد. اما در این جا یک سوال مهم بر ذهن متبادر می‌گردد: «هدف دولت A از بزرگ نمودن ارتش و ساز و برگ نظامی خود چیست؟ آیا می‌خواهد قدرت بیشتری را کسب نماید یا می‌خواهد امنیت خود را تضمین نماید؟» این سوال یک دوراهی را در ذهن ایجاد می‌نماید، که به آن «معمای امنیتی»<sup>۱</sup> گفته می‌شود.

دو معمای امنیتی در منطقه خلیج فارس وجود دارد؟ اول) «جمهوری اسلامی حضور نظامی ایالات متحده در منطقه در قالب نیروهای سنتکام، ناوگان پنجم دریایی مستقر در بحرین و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در کشورهای منطقه خلیج فارس به همراه حضور نظامی در کشور همسایه ایران یعنی افغانستان را ناشی از رویکرد رنالیسم تهاجمی ایالات متحده و اقدامی در راستای افزایش قدرت نسبی آن کشور می‌داند و از آن‌جا که مطابق اصل خودیاری کشورها نمی‌توانند برای حفظ بقای خود متکی به دولت یا دولت‌های دیگر باشند، به منظور تضمین امنیت خود ناگزیر از افزایش قدرت نسبی خود برای مقابله با حملات احتمالی باشند» همین موضوع منجر به شکل‌گیری معمای امنیتی دوم برای کشورهای منطقه می‌گردد که «آیا هدف ایران از افزایش قدرت نسبی خود که پیگیری مجدانه برنامه هسته‌ای نمودی از آن است مقدمه‌چینی برای حمله به کشورهای همسایه است یا اقدامی در راستای تضمین امنیت آن کشور؟».

معمای امنیتی اول منجر گردیده تا ایران اقداماتی نظیر «به‌کارگیری راهبرد امنیت به‌هم پیوسته [امنیت ایران مساوی است با امنیت خلیج فارس و امنیت خلیج فارس مساوی است با امنیت ایران]» و «پیگیری سیاست مبتنی بر اتحاد و ائتلاف» (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۸). با دولت‌هایی نظیر سوریه و گروه‌هایی نظیر حزب‌ا... لبنان را در دستورکار خود قرار دهد و معمای امنیتی دوم موجب گردیده تا کشورهای عرب منطقه خلیج فارس ضمن افزایش توانمندی نظامی خود از طریق اقداماتی نظیر خریدهای تسلیحاتی سنگین عمدتاً از کشورهای غربی، دعوت از سازمان‌های امنیت جمعی نظیر ناتو برای حضور در منطقه و حمایت از حضور دولت هژمون در منطقه به‌عنوان برترین موازنه‌گر، متوازن نمودن قدرت در سطح منطقه خلیج فارس را در دستورکار خود قرار دهند.

---

<sup>1</sup> Security Dilemma

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### رنالیسم تدافعی و تهاجمی

اصطلاح «رنالیسم تهاجمی»<sup>۱</sup> و «رنالیسم تدافعی»<sup>۲</sup> را اولین بار «جک اسنایدر»<sup>۳</sup> در کتاب «افسانه‌های امپراتوری: سیاست داخلی و جاه طلبی بین‌المللی»<sup>۴</sup> به کار برد (Snyder, 1991: 11-12). «تالیافرو» در مقاله خود با عنوان «امنیت‌طلبی در شرایط آنارشی» از تلفیق نظریه‌های «نئورنالیسم» و «رنالیسم نئوکلاسیک» از یک سو با نظریه‌های «رنالیسم تدافعی» و «رنالیسم تهاجمی» از دگرسو نظریه‌های مختلف رئالیستی را دسته‌بندی می‌نماید. او در مقاله خود نظریه‌های «نئورنالیسم» را به عنوان نظریه‌هایی که به دنبال تبیین «نتایج بین‌المللی»<sup>۵</sup> نظیر «احتمال جنگ قدرت‌های بزرگ»، «دوام اتحادها» یا «احتمال همکاری بین‌المللی» هستند، و نظریه‌های «رنالیسم نئوکلاسیک»، را به عنوان نظریه‌هایی که به دنبال تبیین «رفتار سیاست خارجی دولت‌ها»، نظیر «استقرار نیروی دکتترین نظامی»<sup>۶</sup>، «اولویت اتحاد»، «سیاست اقتصادی خارجی»، «دنبال نمودن دیپلماسی تخصصی یا تطابقی»<sup>۷</sup> هستند، تعریف می‌نماید.

مطابق این دسته‌بندی، نظریه‌های «موازنه قوا»<sup>۸</sup> ی کنت والتز، «تفاضل (دیفرانسیل)‌های پویا»<sup>۹</sup> ی دیل دیل کولپند<sup>۱۰</sup> و «همکاری قدرت‌های بزرگ»<sup>۱۱</sup> رابرت جرویس، چارلز گلیسر و بنیامین میلر در شمار نظریه‌های رنالیسم تدافعی از نوع نئورنالیستی قرار دارند. نظریه‌های «تحول (گذار) قدرت»<sup>۱۲</sup> ای.اف.کی ارگانسکی و یاچک کیوگler<sup>۱۳</sup>، «نظریه هژمونیک جنگ»<sup>۱۴</sup> رابرت گیلپین، «موازنه منافع»<sup>۱۵</sup> راندل چولر<sup>۱۶</sup> و «سیاست قدرت‌های بزرگ»<sup>۱۷</sup> جان میرشایمر<sup>۱۸</sup> در قالب نظریه‌های

1. Offensive(or Aggressive) Realism
2. Defensive Realism
3. Jack Snyder
4. Myths of Empire: Domestic Politics and International Ambition
5. international outcomes
6. military doctrine force posture
7. the pursuit of accommodative or belligerent diplomacy
8. Balance-of-power
9. Dynamic differentials
10. Dale Copeland
11. Great power cooperation
12. Power transition
13. Jacek Kugler
14. Hegemonic theory of war
15. Balance-of-interests
16. Randall Schweller
17. great power politics
18. John Mearsheimer

← رنالیسم تدافعی و تهاجمی ۱۶۹

تهاجمی از نوع نئورنالیستی آن دسته‌بندی می‌گردند. نظریه‌های «موازنه تهدید»<sup>۱</sup> استفان والت، «بسیج داخلی»<sup>۲</sup> توماس کریستنسن<sup>۳</sup> و «موازنه» [حمله-دفاع]<sup>۴</sup> استفان وان اورا<sup>۵</sup>، توماس کریستنسن کریستنسن و جک اسنایدر؛ چارلز گلیسر و حایم کافمن<sup>۶</sup> در زمره نظریه‌های رنالیسم تدافعی از نوع نئوکلاسیک قرار می‌گیرند و نهایتاً نظریه‌های «رنالیسم دولت محور»<sup>۷</sup> فرید زکریا، «اهداف جنگ»<sup>۸</sup> اریک لابس<sup>۹</sup> و «نظریه هژمونیک سیاست خارجی»<sup>۱۰</sup> ویلیام ولفرث<sup>۱۱</sup> در شمار نظریه‌های رنالیسم تهاجمی از نوع نئوکلاسیک دسته‌بندی می‌گردند (Taliaferro, 2000: 135).

جدول ۱. طبقه‌بندی نظریه‌های نئو رنالیسم و رنالیسم نئوکلاسیک

دسته‌بندی رنالیسم معاصر		
مفروضات درباره آنازشی		
رنالیسم تهاجمی نظام بین‌الملل همواره مشوق‌هایی برای توسعه‌طلبی ارائه می‌نماید.  نظریه هژمونیک جنگ (رابرت گیلپین) نظریه تحول (گذار) قدرت (ای.اف.کی ارگانسکی و یاچک کیوگلر) نظریه موازنه منافع (راندل چولر) نظریه سیاست قدرت‌های بزرگ (جان میرشایمر)	رنالیسم تدافعی نظام بین‌الملل مشوق‌هایی برای توسعه‌طلبی آن‌هم تحت شرایطی خاص ارائه می‌نماید.  نظریه موازنه قدرت (کنت والتز) نظریه تفاضل (دیفرانسیل)‌های پویا (دیل کوپلند) نظریه‌های همکاری قدرت‌های بزرگ (رابرت جرویس، چارلز گلیسر و بنیامین میلر)	نئورنالیسم نظریه‌هایی که به دنبال تبیین نتایج بین‌المللی هستند- به‌عنوان مثال «احتمال جنگ قدرت‌های بزرگ»، «دوام اتحادها» یا «احتمال همکاری بین‌المللی»

1. Balance-of-threat
2. Domestic mobilization
3. Thomas Christensen
4. Offense-defense
5. Stephen Van Evera
6. Charles Glaser and Chaim Kaufmann
7. State-centered realism
8. war aims
9. Eric Labs
10. Hegemonic theory of foreign policy
11. William Wohlforth

دسته‌بندی رئالیسم معاصر		
رئالیسم دولت محور (فرید زکریا) نظریه اهداف جنگ (اریک لابس) نظریه هژمونیک سیاست خارجی (ویلیام ولفرث)	نظریه موازنه تهدید (استفان والت) نظریه بسیج داخلی (توماس کریستنسن) نظریه‌های [موازنه] تهاجم-دفاع (استفان وان اورا، توماس کریستنسن و جک اسنایدر، چارلز گلیسر و حایم کافمن)	رئالیسم نئوکلاسیک نظریه‌هایی که به دنبال تبیین «رفتار [سیاست] خارجی دولت‌ها» می‌باشند- به عنوان مثال «استقرار نیروی دکترین نظامی»، «اولویت اتحاد»، «سیاست اقتصادی خارجی»، «دنبال نمودن دیپلماسی تخصصی یا تطابقی»

(Taliaferro, 2000: 135)

والترز معتقد است که دولت‌ها حداقل به دنبال صیانت از خود هستند و حداکثر برای سلطه بر جهان می‌کوشند (waltz, 1979, p. 118).

«گیدئون رز»<sup>۱</sup> در مقاله خود با عنوان «رئالیسم نئوکلاسیک و نظریه‌های سیاست خارجی» درباره رئالیسم تهاجمی و تدافعی می‌گوید: «هر دو تئوری از این فرض آغاز می‌نمایند که نظام بین‌الملل از «دولت‌های عقلانی و منفردی»<sup>۲</sup> که «میل به امنیت»<sup>۳</sup> آنان را انگیزه‌مند (دارای انگیزه) نموده، تشکیل شده است» (Rose, 1998, p. 149).

والترز به عنوان یک رئالیست تدافعی می‌گوید: «در [شرایط] آنارشی، امنیت «بالاترین هدف»<sup>۴</sup> می‌باشد. تنها زمانی که بقا تضمین شده باشد دولت‌ها می‌توانند آسوده خاطر به دنبال اهداف دیگر نظیر آرامش<sup>۵</sup>، منفعت و قدرت باشند. اولین نگرانی دولت‌ها به حداکثر رسانیدن قدرت نیست بلکه حفظ موقعیت آن‌ها در نظام [بین‌الملل] می‌باشد» (waltz, 1979, p. 126).

در مقابل میرشایمر، به عنوان یکی از متفکران کلیدی رئالیسم تهاجمی دیدگاهی برخلاف دیدگاه والترز دارد. وی معتقد است: «هدف نهایی یک دولت تبدیل شدن به هژمون در نظام [بین‌الملل] می‌باشد» (Mearsheimer, 2001, p. 21).

1. Gideon Rose  
2. unitary, rational states  
3. desire for security  
4. the highest end  
5. tranquillity

## ➤ رنالیسم تدافعی و تهاجمی ۱۷۱

بنابراین می‌توان گفت که رنالیسم تهاجمی در دوگانه قدرت-امنیت برتری را به قدرت می‌دهد و آن‌را هدف اصلی دولت‌ها برمی‌شمارد. در حالی که رنالیسم تدافعی در این دوگانه اولویت را به امنیت می‌دهد و مطابق گفته والتز امنیت را بالاترین هدف می‌داند.

در این‌جا یک سوال بسیار مهم پیش می‌آید. آیا تأکید بیش از حد رنالیست‌های تهاجمی بر «قدرت» و این‌که هدف نهایی یک دولت کسب قدرت بیشتر و بیشتر می‌باشد بدان معناست که آنان نسبت به موضوع «بقا» بی‌تفاوتند؟ پاسخ منفی است. ذکر این جمله کلیدی میرشایمر که «دولت‌ها باید به‌طور مداوم نگران حفظ بقای خود باشند زیرا رقبای بالقوه ممکن است سعی کنند آن‌ها را در هر زمان حذف کنند (Taliaferro, 2000/1, p. 140)». نشان از اهمیت موضوع «بقا» در نگرش رنالیست‌های تهاجمی دارد. رنالیست‌های تهاجمی معتقدند که تنها دولت‌های قدرتمند می‌توانند بقای خود را تضمین کنند.

میرشایمر به تبعیت از والتز، قدرت را با نه با «نتایج»<sup>۱</sup> که با «توانمندی‌های مادی»<sup>۲</sup> برابر می‌گیرد. به‌نظر میرشایمر نتایج یک «پیشگوی ضعیف موازنه قدرت»<sup>۳</sup> می‌باشند چون گاهی اوقات ممکن است دولت‌های ضعیف، «مخالفان قوی‌تر»<sup>۴</sup> خود را شکست دهند (Mearsheimer, 2001, p. 57). میرشایمر توانمندی‌های دولت‌ها را به «پنهان»<sup>۵</sup> (اقتصادی و جمعیت) و «واقعی»<sup>۶</sup> (نظامی) تقسیم می‌نماید. او معتقد است که قدرت نظامی در هنگام تجزیه و تحلیل سیاست‌های جهانی، مهم‌ترین عامل می‌باشد (Ibid, p. 56).

اما سوالی که در این‌جا پیش می‌آید آن‌است که حد نهایی تلاش دولت‌ها جهت کسب قدرت کجاست؟ در این‌جا نیز بین میرشایمر به‌عنوان یک رنالیست تهاجمی و والتز به‌عنوان یک رنالیست تدافعی اختلاف دیدگاه وجود دارد. این ادعای میرشایمر که «جستجو برای کسب قدرت و امنیت «سیری ناپذیر»<sup>۷</sup> است، وی را از والتز جدا می‌سازد. در حالی‌که والتز می‌گوید این امر محدودیت‌هایی دارد» (Snyder, 2002, p. 151).

«فرید ذکریا» نیز به‌عنوان یکی از رنالیست‌های نئوکلاسیک تهاجمی معتقد است که دولت‌ها در

- 
1. outcomes
  2. material capabilities
  3. poor predictor of the balance of power
  4. stronger opponents
  5. latent
  6. actual
  7. insatiable

۱۷۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

شرایطی که به شکلی فزاینده ثروت مند می شوند به ایجاد ارتش های بزرگ مبادرت می ورزند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین المللی خود می روند. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

پس از ذکر این توضیحات به معرفی نظریه «رنالیسم تدافعی» می پردازیم.

رنالیست های تدافعی معتقد هستند که هزینه توسعه طلبی عموماً گزاف می باشد و نظام بین الملل معمولاً اعتدال (میان روی) را تشویق می نماید. نظام بین الملل به ندرت آن هم تحت شرایط خاص، توسعه طلبی را تشویق می نماید (lobell, 2010, p. 6659).

«رنالیسم تدافعی مفروض می گیرد که آنارشی بین المللی اغلب «خوش خیم تر (بی خطرتر)»<sup>۱</sup> است، امنیت بیشتر از آن که [یک کالای] کمیاب باشد، «فراوان و وافر» است که دولت های معمولی می توانند این [موضوع] را بفهمند یا در طول زمان از طریق تجربه بیاموزند. در جهان رنالیست های تدافعی، دولت های عقلانی که به دنبال امنیت می باشند می توانند اغلب آرامش را ایجاد نمایند و خود را تنها برای پاسخگویی به تهدیدات خارجی که نادر است، به تحرک وادارند. دولت ها به این تهدیدات از طریق ایجاد موازنه علیه تهدیدات خارجی پاسخ به موقع می دهند که مانع [تهاجم] تهدیدگران می گردد و نیاز به [ورود به] یک درگیری واقعی را برطرف می سازد» (Rose, 1998, pp. 149-150).

در سال ۱۹۸۷ «استفان والت» به عنوان شاگرد والتز نظریه «موازنه تهدید» خود را به عنوان یک اصلاح عمده در نظریه والتز مطرح نمود. او در ابتدا بر مفاهیم «موازنه»<sup>۲</sup> و «دنباله روی»<sup>۳</sup> تأکید نمود.

نکته ای که در رابطه با مفهوم «دنباله روی» وجود دارد آن است که در نظم های سیاسی سلسله مراتبی، کنشگران تمایل دارند به دنباله روی از نامزد اصلی یا پیروز جدید روی آورند، زیرا شکست امنیت آن ها را به خطر نمی اندازد. «دنباله روها» می کوشند جانب طرف قوی تر را بگیرند و از این طریق، سودهای خود را افزایش دهند (یا از ضررهای خود بکاهند). اما در آنارشی نظام بین الملل دنباله روی با تقویت طرفی که ممکن است بعدها به شما حمله کند، فاجعه ساز خواهد بود. (دانلی، ۱۳۹۱: ۵۹).

- 
1. more benign
  2. balancing
  3. bandwagoning



رئالیست‌های تدافعی معتقدند که:

«۱) تلاش‌ها به منظور دست‌یابی به [جایگاه] هژمونی نوعی «خودزنی»<sup>۱</sup> است که می‌تواند دولت‌ها را ضعیف‌تر و کمتر ایمن سازد، زیرا «رفتارهای ضدموازنه»<sup>۲</sup> و تمایل «متجاوز» برای [تجربه] رودرویی با مقاومت [مدافع]<sup>۳</sup> را تحریک می‌نماید.

«۲) استیلا به ندرت [هزینه‌ای] پرداخت می‌کند. هزینه‌های توسعه‌طلبی معمولاً از منافع آن بیشتر است و در نتیجه توسعه‌طلبی اغلب توسط نیروهای غیرسیستمیک یا داخلی و «آسیب‌های سطح واحد»<sup>۴</sup> تبیین می‌گردد.

«۳) موازنه نظامی تهاجم-دفاع»<sup>۵</sup> اغلب به نفع مدافع می‌باشد و دفاع بیش از تهاجم [مزیت دارد].  
«۴) جامعه‌پذیری»<sup>۶</sup> و «درس از تاریخ»<sup>۷</sup> به دولت‌ها می‌آموزد که توسعه‌طلبی و دنبال نمودن [سیاست نمودن] سیاست تبدیل شدن به [هژمونی اغلب گمراه‌کننده هستند زیرا دولت‌ها را [به اتخاذ رفتارهای] ضدموازنه به جای «رفتارهای دنباله‌روانه»<sup>۸</sup> ترغیب می‌نماید» - (lobell, 2010, pp. 6658-6659).

با عنایت به تمامی این توضیحات می‌توان استنباط نمود که «رئالیست‌های تهاجمی» هدف دولت‌ها را افزایش بیشتر و بیشتر قدرت می‌دانند تا دولت موقعیتی هژمونیک در نظام بین‌الملل پیدا کند. در مقابل «رئالیست‌های تدافعی» دلمشغولی دولت‌ها را نه به حداکثر رسانیدن قدرت، بلکه حفظ موقعیت آن‌ها در نظام بین‌الملل می‌دانند، بنابراین دست‌یابی به «امنیت» بالاترین هدف دولت‌ها می‌باشد. اما در این‌جا یک سوال مهم بر ذهن متبادر می‌گردد: «هدف دولت A از بزرگ نمودن ارتش و ساز و برگ نظامی خود چیست؟ آیا می‌خواهد قدرت بیشتری را کسب نماید یا می‌خواهد امنیت خود را تضمین نماید؟» این سوال یک دوراهی را در ذهن ایجاد می‌نماید، که به آن «معمای امنیتی» گفته می‌شود. «معمای امنیتی» یک مفهوم مرکزی در تقریباً تمامی نظریه‌های رئالیستی است (Snyder, 2002, p. 155).

1. self-defeating
2. Counterbalancing behavior
3. resistance
4. Unit-level pathologies
5. offense-defense military balance
6. socialization
7. lessons from history
8. Bandwagoning behavior

اصطلاح «معمای» امنیتی اولین بار توسط «جان هرتز» در مقاله‌ای با عنوان «بین‌الملل‌گرایان آرمان‌گرا و معمای امنیتی» مطرح گردید. او در آن مقاله «معمای امنیتی» را این‌چنین تعریف می‌نماید: «گروه‌ها یا افراد تحریک می‌شوند که به‌منظور در امان ماندن از تأثیر قدرت دیگران، میزان بیشتر و بیشتری از قدرت را کسب نمایند. این موضوع به‌نوبه خود، دیگران را ناامن‌تر می‌سازد و آنان را وادار می‌سازد تا برای «بدترین‌ها»<sup>۱</sup> محیا شوند» (herz,1950, p. 157).

جرویس معنای معمای امنیتی را این‌گونه تشریح می‌نماید: «افزایش امنیت یک دولت، کاهش امنیت سایرین را در پی دارد» (jervis,1978, p. 186) یا به‌تعبیر دیگر: «بسیاری از ابزارهایی که دولت‌ها به‌منظور افزایش امنیت خود از آن استفاده می‌نمایند می‌تواند امنیت سایر دولت‌ها، حتی امنیت قدرت‌های امنیت‌طلب را کاهش دهد» (lobell,2010, p. 6660).

«در معمای امنیتی بازیگران حفظ وضع موجود را به هزینه‌ها و خطرات ناشی از دنبال نمودن توسعه‌طلبی ترجیح می‌دهند. لکن مسائل به‌ندرت چنین ساده هستند. ابهاماتی در درک مفهوم اصلی امنیت وجود دارد. از جمله این‌که «موضوع امنیت»<sup>۲</sup> چیست؟ (فرد، رژیم، دولت یا ارزش‌ها) و یا چه‌چیزی موردنیاز است تا افراد و دولت‌ها احساس امن بودن نمایند... از نظر ما معمولاً استفاده از آن‌ها برای توصیف دولت‌ها و «منابع رفتار آن‌ها»<sup>۳</sup> (تهاجمی، توسعه‌طلب، فرصت‌محور، ریسک‌پذیر، طرفدار وضع موجود، امنیت طلب و ریسک‌گریز)<sup>۴</sup> غامض می‌باشد» (jervis,2001, p. 39).

اما برای حل این معمای امنیتی چه باید کرد؟ آیا صرفاً می‌توان به ادعاهای دولت‌ها که در مواضع رسمی دیپلماتیک آنان منعکس می‌گردد، استناد نمود یا ابزاری دیگر برای سنجش این مسأله که نیت آنان از اقداماتشان افزایش قدرت است یا افزایش امنیت، مورد نیاز است؟ جهش بالای توان موشکی ایران و دستیابی این کشور به تکنولوژی ساخت موشک‌های با سوخت جامد برای حمله به کشورهای همسایه است یا برای افزایش قابلیت دفاعی این کشور؟ آیا می‌توان به ادعاهای سخنگوی وزارت امور خارجه ایران که ساخت این موشک‌ها را به‌منظور تقویت توان دفاعی ایران می‌داند، استناد نمود؟

1. worst
2. object of security
3. sources of their conduct
4. expansionistic
5. Opportunity-driven
6. risk-acceptant
7. risk-averse

یکی از نظریات رئالیسم تدافعی از نوع نئوکلاسیک آن که می‌تواند یک دید تئوریک برای پاسخ به سوال «نیات دولت ایران از افزایش توان موشکی چیست؟» به ما ارائه دهد، «نظریه موازنه تهاجم-دفاع»<sup>۱</sup> می‌باشد. «نظریه موازنه تهاجم-دفاع مدعی است که «سهولت نسبی حمله یا دفاع»، اغلب نقش مهمی در ایجاد بی‌ثباتی و جنگ در سیاست بین‌المللی ایفا می‌کند» (Lieber, 2000, p. 71).

«نظریه [موازنه] تهاجم-دفاع (یا نظریه معمای امنیتی) یک نظریه کاملاً خوش‌بینانه سیاست بین‌الملل می‌باشد. این نظریه استدلال می‌کند زمانی که دفاع بر تهاجم مزیت دارد، جنگ‌های بزرگ می‌توانند ملغی شوند. علاوه بر این، احتمال رقابت‌های تسلیحاتی و جنگ می‌توانند گاهی اوقات از طریق کنترل تسلیحاتی با دقت طراحی شده کاهش یابند. در طول دو دهه گذشته این نظریه به‌طور فزاینده نقش مهمی در میان محققان روابط بین‌الملل و تحلیلگران سیاست خارجی ایفا نموده است» (Glaser and Kaufmann, 1998, p. 44).

«نظریه موازنه تهاجم-دفاع استدلال می‌نماید که منازعات بین‌المللی و جنگ زمانی محتمل‌تر هستند که عملیات‌های نظامی تهاجمی نسبت به عملیات‌های تدافعی مزیت داشته باشند و احتمال همکاری و صلح نیز زمانی که دفاع دارای مزیت است، بیشتر می‌باشد. مطابق این نظریه سهولت نسبی حمله و دفاع (توازن تهاجم-دفاع) اصولاً از طریق «دولت غالب [در زمینه] فن‌آوری»<sup>۲</sup> در زمان معین تعیین می‌گردد. زمانی که «تغییرات فناورانه»<sup>۳</sup> در موازنه تهاجم-دفاع به‌سوی تهاجم تغییر جهت می‌دهند، مهاجمان احتمال بیشتری برای کسب پیروزی سریع و قاطع دارند. این چشم‌انداز از جنگ سریع و قاطع، معمای امنیتی در میان دولت‌ها را تشدید می‌نماید، موجب تشدید رقابت‌های تسلیحاتی می‌گردد و «جنگ‌های توسعه‌طلبانه، پیشگیرانه و پیش‌دستانه»<sup>۴</sup> را محتمل‌تر می‌سازند» (Lieber, 2000, p. 71).

«متغیرهای حمله-دفاع نقش محوری را در تحقیقات اخیر درباره رئالیسم ساختاری- به‌عنوان مثال رئالیسم تدافعی و رئالیسم مشروط<sup>۵</sup> ایفا می‌کنند. برخلاف نسخه رئالیسم ساختاری کنت والتز که بر بر قدرت یا توزیع منابع تمرکز دارد، این نسخه از رئالیسم بر قابلیت‌های دولت‌ها به‌منظور انجام مأموریت‌های نظامی ضروری تمرکز دارد. در نتیجه این نظریه‌ها به معرفی یک متغیر نیاز دارند که

1. Offense-Defense Balance
2. the prevailing state of technology
3. technological change
4. wars of expansion, prevention, and preemption
5. contingent realism

۱۷۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷ ————— \*

قابلیت یک دولت در تبدیل قدرت به توانمندی نظامی را منعکس سازد. این متغیر موازنه تهاجم-دفاع می‌باشد» (Glaser and Kaufmann, 1998, p. 49).

موازنه حمله/دفاع در درجه اول برحسب «سهولت استیلا(فتح) سرزمینی»<sup>۱</sup>، «ویژگی‌های تسلیحات»<sup>۲</sup>، «منابع مورد نیاز برای حمله به منظور غلبه بر دفاع»<sup>۳</sup> و «انگیزه [برای وارد نمودن] ضربه اول»<sup>۴</sup> تعریف می‌گردد (Levy, 1984, p. 223).

یکی دیگر از محققان معتقد است که «امکان‌پذیری استیلا (فتح) از طریق عوامل نظامی، عوامل جغرافیایی، عوامل سیاسی و اجتماعی داخلی و ماهیت دیپلماسی شکل گرفته است. در بحث از موازنه تهاجم-دفاع اغلب بر تکنولوژی نظامی تمرکز می‌شود در حالی که تکنولوژی نظامی تنها بخشی از موضوع می‌باشد» (Van Evera, 1998, p. 16).

عوامل نظامی شامل تکنولوژی نظامی، دکترین، موقعیت و نحوه استقرار نیروهای نظامی می‌باشد. عوامل جغرافیایی را می‌توان مواردی نظیر منطبق شدن مرزهای ملی با اقیانوس‌ها، دریاچه‌ها، کوه‌ها، رودهای گسترده، جنگل‌های انبوه، بیابان‌های بی‌اثر و یا دیگر موانع طبیعی؛ ایجاد موانع مصنوعی (ساخته شده توسط انسان) در طول مرزها؛ وجود «مناطق حائل گسترده»<sup>۵</sup> نظیر کشورهای ثالث یا مناطق غیرنظامی که موجب جدا شدن دشمنان شود؛ کوهستانی یا جنگلی بودن سرزمین ملی؛ بالا بودن جمعیت روستایی که موجب سهولت «مقاومت چریکی»<sup>۶</sup> در برابر مهاجمان شود؛ آسیب‌پذیر نبودن در برابر «خفه‌سازی اقتصادی»<sup>۷</sup>؛ خودکفایی در تأمین آب، انرژی، غذا و مواد اولیه اولیه مهم؛ و قطع نشدن مسیرهای تجاری از طریق محاصره دریایی یا زمینی دانست. مهم‌ترین متغیری که می‌توان در عوامل سیاسی و اجتماعی داخلی بدان اشاره نمود میزان محبوبیت نظام سیاسی می‌باشد که موجب می‌گردد حکومت در مواردی نظیر ترغیب مردم به مقاومت چریکی موفق‌تر عمل نماید. سه متغیر مهم عوامل دیپلماتیک «سیستم امنیت جمعی»، «اتحادهای دفاعی» و «موازنه رفتار از طریق دولت‌های بی‌طرف»<sup>۸</sup> می‌باشند (Ibid, pp. 16-21).

- 
1. the ease of territorial conquest
  2. the characteristics of armaments
  3. the resources needed by the offense in order to overcome the defense
  4. the incentive to strike first
  5. wide buffer regions
  6. guerrilla resistance
  7. economic strangulation
  8. balancing behavior by neutral states

### «معمای امنیتی» مخرج مشترک نظریه‌های رنالیسم تدافعی و تهاجمی

استناد به تقسیم‌بندی «تالیافرو» و ذکر مشخصه‌های نظریه‌های مختلف به‌منظور استفاده از توان تبیینی این نظریه‌ها در تبیین رویدادهای منطقه خلیج فارس در نگاه اول مقداری نامفهوم می‌نماید. ذکر کلمه مقداری ناشی از تشابه ابعاد «فرانظری»<sup>۱</sup> این نظریه‌ها می‌باشد که منجر به «هستی شناسی»، «معرفت شناسی» و «روش شناسی» مشابه این نظریه‌ها گردیده است. به‌عبارت دیگر «آیا ذکر چندین نظریه مختلف-اگرچه دارای ابعاد فرانظری یکسان باشند- می‌تواند ما را به‌سوی تبیین دقیق رویدادهای منطقه خلیج فارس رهنمون سازد؟» و «در حالی که هریک از نظریات مختلف بریکی از جنبه‌های تحلیلی خود تأکید می‌نمایند، آیا می‌توان در تبیین‌های این نظریه‌ها از رویدادهای منطقه خلیج فارس نقطه یا نقاط اشتراکی یافت؟»

پاسخ مثبت است. به نظر نگارندگان «معمای امنیتی» مخرج مشترک تمامی این نظریه‌ها می‌باشد. به قول اسنایدر «معمای امنیتی یک مفهوم مرکزی در تقریباً تمامی نظریه‌های رنالیستی است (Snyder, 2002, p. 155)».

در منطقه خلیج فارس دو معمای امنیتی وجود دارد که دولت‌های منطقه به‌منظور غلبه بر آن دست به «موازنه سازی» می‌زنند.

اول) «جمهوری اسلامی حضور نظامی ایالات متحده در منطقه در قالب نیروهای سستکام، ناوگان پنجم دریایی مستقر در بحرین، پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در کشورهای منطقه خلیج فارس، ناوهای هواپیمابر اعزامی به منطقه خلیج فارس و اسرائیل به‌همراه حضور نظامی در کشور همسایه ایران یعنی افغانستان را ناشی از رویکرد رنالیسم تهاجمی ایالات متحده و اقدامی در راستای افزایش قدرت نسبی آن کشور می‌داند و از آن‌جا که مطابق اصل خودیاری کشورها نمی‌توانند برای حفظ بقای خود متکی به دولت یا دولت‌های دیگر باشند، به‌منظور تضمین امنیت خود ناگزیر از افزایش قدرت نسبی خود برای مقابله با حملات احتمالی باشند» همین موضوع منجر به شکل‌گیری معمای امنیتی دوم برای کشورهای منطقه می‌گردد که «آیا هدف ایران از افزایش قدرت نسبی خود که پیگیری مجدانه برنامه هسته‌ای نمودی از آن است مقدمه‌چینی برای حمله به کشورهای همسایه است یا اقدامی در راستای تضمین امنیت آن کشور؟»

<sup>1</sup>. Metatheoretical

۱۷۸ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

معمای امنیتی اول منجر گردیده تا ایران اقداماتی نظیر «به‌کارگیری راهبرد امنیت به‌هم پیوسته [امنیت ایران مساوی است با امنیت خلیج فارس و امنیت خلیج فارس مساوی است با امنیت ایران]» و «پیگیری سیاست مبتنی بر اتحاد و ائتلاف» (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۸) با دولت‌هایی نظیر سوریه و گروه‌هایی نظیر حزب‌ا... لبنان را در دستورکار خود قرار دهد و معمای امنیتی دوم موجب گردیده تا کشورهای عرب منطقه خلیج فارس ضمن افزایش توانمندی نظامی خود از طریق اقداماتی نظیر خریدهای تسلیحاتی سنگین عمدتاً از کشورهای غربی، دعوت از سازمان‌های امنیت جمعی نظیر ناتو برای حضور در منطقه و حمایت از حضور دولت هژمون در منطقه به‌عنوان برترین موازنه‌گر، متوازن نمودن قدرت در سطح منطقه خلیج فارس را در دستورکار خود قرار دهند.

### سه شاخص برای غلبه بر معماهای امنیتی منطقه خلیج فارس

همان‌گونه که شرح آن در هنگام توضیح «نظریه موازنه حمله/دفاع» رفت شاخص‌هایی جهت تشخیص نیت تهاجمی یا تدافعی یک دولت وجود دارد. سه شاخص «ویژگی‌های تسلیحات»، «انگیزه و قابلیت برای وارد نمودن ضربه اول» و «عوامل نظامی شامل تکنولوژی نظامی، دکترین، موقعیت و نحوه استقرار نیروهای نظامی» از مهم‌ترین شاخص‌ها جهت تشخیص نیت تهاجمی یا تدافعی دولت‌ها می‌باشند.

در مورد معمای امنیتی اول باید گفت که:

الف) ایالات متحده در پنج قالب مختلف در منطقه «حوزه خلیج فارس» و «شامات» حضور دارد:

الف-۱) در قالب «سنتکام (Centcom)»

در دوره ریگان نیروهای واکنش سریع در منطقه مستقر شدند و تقویت و تجهیز کشورهای جنوبی خلیج فارس در دستورکار دولت وی قرار گرفت (بزدان‌فام، ۱۳۸۹: ۱۱۵). به‌دنبال آن فرماندهی مرکزی ایالات متحده<sup>۱</sup> در اول ژانویه ۱۹۸۳ تأسیس شد که یکی از ۹ فرماندهی جنگی ایالات متحده در سرتاسر جهان می‌باشد. فرماندهی مرکزی ایالات متحده منطقه مرکزی جهان، بین فرماندهی اروپا و اقیانوس آرام، شامل افغانستان، ایران، پاکستان، عربستان سعودی، عمان، بحرین، قطر، کویت، امارات متحده عربی، یمن، عراق، اردن، سوریه، لبنان، مصر و کشورهای تازه تأسیس اتحاد جماهیر شوروی (ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان) واقع شده است را پوشش می‌دهد (United States Central Command, n.d. a). بنابر نوشته وب‌گاه این

<sup>۱</sup>. United States Central Command (CENTCOM)

## ← رنالیسم تدافعی و تهاجمی ۱۷۹

فرماندهی، یکی از وظایف این فرماندهی، مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات کننده ایران در منطقه می‌باشد (United States Central Command, n.d. b).

الف-۲) در قالب ناوگان‌های دریایی

ایالات متحده دارای پنج ناوگان دریایی می‌باشد. منطقه عملیاتی ناوگان پنجم دریایی، خاورمیانه (دریای سرخ، دریای عربی و خلیج فارس) و شمال اقیانوس هند بوده و قرارگاه آن شهر منامه بحرین می‌باشد که نیروی دریایی آمریکا علاوه بر آن دارای دفاتری در کویت، عربستان و عمان می‌باشد و از بندر جبل علی دبی جهت امور پشتیبانی و استراحت کارکنان یگان‌های شناور آمریکا استفاده می‌نماید. از زمان جنگ خلیج فارس، «فرماندهی مرکزی نیروی دریایی»، فرماندهی این ناوگان را برعهده دارد (رمضانی تکلمی، ۱۳۸۷: ۳۲۸). منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) بالأخص خلیج فارس از آن‌چنان اهمیت استراتژیکی در نزد مقامات آمریکایی برخوردار است که پیش‌بینی نموده‌اند امکانات تمامی ناوگان‌های دریایی در مواقع لزوم در اختیار ناوگان پنجم مستقر در بحرین قرار گیرند.

الف-۳) در قالب پایگاه‌های نظامی در منطقه خلیج فارس

«موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی»<sup>۱</sup> در ارزیابی سال ۲۰۱۶ خود، پایگاه‌های هوایی در اختیار نیروهای فرماندهی<sup>۲</sup> در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) به همراه جنگنده‌های موجود در آن را این‌گونه ذکر می‌نماید:

جدول ۲. پایگاه‌های نظامی در منطقه خلیج فارس

ردیف	کشور محل استقرار پایگاه هوایی	نام قدرت فرماندهی	نوع و تعداد جنگنده‌ها
۱	ترکیه	ایالات متحده (پایگاه اینجرلیک)	۶ فروند F-15C Eagle
			۱۲ فروند A-10C Thunderbolt II
			۱ فروند AC-130U
۲	اردن (پایگاه موفق السلطی)	ایالات متحده  فرانسه	۶ فروند F-16V Fighting Falcon
			۳ فروند Mirage 2000D
			۳ فروند Mirage 2000N

<sup>۱</sup>. International Institute for Strategic Studies (IISS)

<sup>۲</sup>. Extra-Regional

۱۸۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

ردیف	کشور محل استقرار پایگاه هوایی	نام قدرت فرمانطقه‌ای	نوع و تعداد جنگنده‌ها
		هلند	۴ فروند F-16AM Fighting Falcon
۳	قطر (پایگاه العدید)	ایالات متحده	۴ فروند RC-135V/W Rivet Joint
			۶ فروند B-1B Lancer
		بریتانیا	۱ فروند RC-135W Rivet Joint
۴	امارات متحده عربی	ایالات متحده (پایگاه الظفره)	۶ فروند F-22A Raptor ۱۲ فروند F-15E Strike Eagle ۱ فروند U-2 S پهپاد RQ-4B Global Hawk
		فرانسه (پایگاه الظفره)	۶ فروند Rafale ۱ فروند Atlantique 2 MP
		استرالیا (پایگاه منهاد)	۶ فروند F/A-18A Hornet
		ایالات متحده (پایگاه احمد الجابر)	۱۲ فروند A-10C Thunderbolt II
۵	کویت	ایالات متحده (پایگاه علی السالم)	پهپاد MQ-1B Predator پهپاد MQ-9A Reaper
		بریتانیا (پایگاه علی السالم)	پهپاد MQ-9A Reaper
		ایتالیا (پایگاه احمد الجابر)	۴ فروند Tornado IDS پهپاد MQ-1B Predator
		کانادا (پایگاه احمد الجابر) (در حال خروج)	۶ فروند CF-18A Hornet ۲ فروند CP-140A Aurora
		بریتانیا	۸ فروند Tornado GR4 ۱ فروند Sentinel R1
۷	سوریه (پایگاه الاسد)	روسیه	۱۲ فروند Su-24M ۴ فروند Su-30SM ۴ فروند Su-34 Fullback ۱۰ فروند Su-25SM Frogfoot ۲ فروند Su-25UBM Frogfoot



➤ رنالیسم تدافعی و تهاجمی ۱۸۱

ردیف	کشور محل استقرار پایگاه هوایی	نام قدرت فرمانطقه‌ای	نوع و تعداد جنگنده‌ها
			۱ فروند IL-20M ELINT
			۱۲ فروند بالگرد Mi-24P Hind
			۶ فروند بالگرد Mi-8AMTSh Hip

(The International Institution for Strategic Studies, 2016, p.312)

الف-۴) ناوهای هواپیمابر

ایالات متحده دارای ۱۲ ناو هواپیمابر در کلاس‌های کیتی‌هاوک، اینترپرایز، جان اف. کندی، نیمیتز، آیزنهاور، کارل وینسون، تئودور روزولت، آبراهام لینکلن، جورج واشنگتن، جان سی. استینس، هری اس. ترومن و رونالد ریگان می‌باشد که از این بین از کلاس کیتی‌هاوک (۱ فروند)، از کلاس اینترپرایز (۱ فروند)، از کلاس جان اف. کندی (۱ فروند) و از کلاس نیمیتز (۹ فروند) در حال حاضر در حال خدمت هستند که برخی از آنان قرار است در آینده نزدیک بازنشسته شوند (رمضانی تکلیمی، ۱۳۸۷:۳۰۷). این ناوهای غول‌پیکر در مواقع لزوم به منطقه اعزام می‌گردند.

الف-۵) اسرائیل

رهبر معظم انقلاب اسلامی اسرائیل را «سگ نگهبان استکبار» در منطقه می‌خواند. حمایت ویژه ایالات متحده از اسرائیل بر هیچ‌کس پوشیده نیست. در منطقه خاورمیانه، اسرائیل برای آمریکا از اهمیت استراتژیک برخوردار است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). شناسایی اسرائیل توسط آمریکا آن‌هم ۱۱ دقیقه پس از اعلام تشکیل آن در نیمه شب ۱۴ می ۱۹۴۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۷) شاهدهی بر این مدعاست. بدیهی است که امنیت این متحد استراتژیک ایالات متحده که بسیاری از روسای جمهور و دولت‌مردان آمریکایی امنیت آن‌را به امنیت خود گره زده‌اند و نامانی آن‌را، نامانی آمریکا می‌دانند، برای سیاست‌مداران آمریکایی بسیار حساس خواهد بود. در مقابل اسرائیل نیز همواره در راستای منافع ایالات متحده عمل نموده است. در مقابل اسرائیل نیز همواره در راستای منافع ایالات متحده عمل نموده است. اگرچه صهیونیست‌ها در موضوعاتی که با «بقای آن‌ها در ارتباط است بسیار محتاط و حساس هستند (توسلی رکن‌آبادی و رضایی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)، لکن کمتر موردی سراغ می‌رود که اسرائیل در کنش‌های سیاست خارجی خود اقدامی برخلاف منافع ایالات متحده انجام داده باشد.

ب) در پایگاه‌های ایالات متحده در منطقه و ناوهای هواپیمابر تسلیحاتی نظیر جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های «A-10»، «F-15»، «F-16»، «F-18» و «F-22»؛ موشک‌های کروز «تام‌هاوک»؛

۱۸۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷ +  
بمب‌های هدایت شونده «GBU-15»، «GBU-24(E/B)»، «GBU-29»، «GBU-30(JDAM)»، «GBU-31»، «GBU-32»، «GBU-36» و «GBU-37» وجود دارد.

ج) بسیاری از جنگنده‌هایی که در پایگاه‌های ایالات متحده در کشورهای منطقه قرار دارند نظیر «F-15» و «F-16»، قابلیت انجام حملات موسوم به «ضربه اول»<sup>۱</sup> را می‌باشند.

د) جمهوری اسلامی از زمان تشکیل خود موضوع اصلی یا فرعی «دکترین کارتر»، «دکترین ریگان»، «دکترین بوش»، «استراتژی مهاردوجانبه کلپتون» و «استراتژی خاورمیانه بزرگ بوش» بوده است. گزینه «Regime Change» جمهوری اسلامی روی میز تمامی روسای جمهور ایالات متحده تا به امروز قرار داشته است.

ه) جمهوری اسلامی حمله نظامی ایالات متحده به ایران در ماجرای طبس در سحرگاه پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ (۲۴ آوریل ۱۹۸۰)، حمایت ایالات متحده از کودتای نوژه که در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ (۸ جولای ۱۹۸۰) ختی گردید، حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی از ارتش صدام حسین و درگیری محدود نظامی ایالات متحده با نیروهای ایرانی در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را در حافظه خود دارد.

حمله دو فروند بالگرد آمریکایی به کشتی «ایران اجر» در ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ (۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷)، غرق نمودن سه قایق متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شهید نمودن دو نیروی ایرانی در ۱۶ مهرماه ۱۳۶۶ (۸ اکتبر ۱۹۸۷)، انهدام جایگاه‌های «R4» و «R7» سکوی نفتی رشادت در ۳۰ مهرماه ۱۳۶۶ (۲۲ اکتبر ۱۹۸۷)، انهدام سکوهای نفتی «نصر» و «سلمان» در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ (۱۷ آوریل ۱۹۸۸) و ساقط نمودن هواپیمای مسافربری ایرانی از نوع ایرباس A-300 با ۲۹۰ نفر سرنشین توسط موشک «استاندارد-۲» شلیک شده از ناو «یواس اس. وینسنس» در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ (۲ جولای ۱۹۸۸) (درودیان، ۱۳۷۶: ۹۷). نمونه‌هایی از تهاجم محدود نظامی ایالات متحده به ایران می‌باشند.

جمهوری اسلامی با عنایت به جمیع این موارد «معمای امنیتی» اول را این‌گونه حل نموده که ایالات متحده درصدد نابودی ایران می‌باشد و از آن‌جا که مطابق اصل «خودیاری» برای حفظ بقای خود تنها باید بر افزایش توان نظامی خود متکی باشد، بدین منظور و باتوجه به نقاط قوت و ضعف توان نظامی ایالات متحده نسبت به ساخت یا خرید تجهیزات نظامی تدافعی نظیر

## ➤ رئالیسم تدافعی و نهاجمی ۱۸۳

«موشک‌های بالستیک با سوخت جامد و مایع»، «موشک‌های ضدکشتی کروز و بالستیک»، «زیردریایی»، «قایق‌های کوچک تندرو» و ... اقدام نمود.

از سوی دیگر رخداد‌های سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی: نظیر تلاش برای تسخیر مسجد بزرگ مکه، که دولت عربستان آن را اقدامی الهام گرفته از انقلاب اسلامی ایران می‌دانست (اسدیان، ۱۳۸۱: ۹۹)، ناآرامی‌های مناطق شیعه نشین عربستان (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳: ۳۰)؛ تظاهرات شیعیان بحرین در آوریل ۱۹۸۰، ترور طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق و ... همه از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس مستقیم یا غیرمستقیم به ایران نسبت داده شدند که ایران جهت افزایش «قدرت» منطقه‌ای خود، این اقدامات را انجام می‌دهد.

تلاش ایران جهت افزایش توان نظامی از طریق ساخت یا خرید تجهیزات نظامی پیشرفته و پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای از سوی ایران

«معمای امنیتی» دوم را برای کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد و این‌گونه حل نموده که «هدف ایران افزایش قدرت منطقه‌ای خود می‌باشد» و به اقداماتی نظیر حمایت از ادامه حضور دولت هژمون در منطقه (ایالات متحده) به‌عنوان برترین موازنه‌ساز در قالب اعطای مجوز ایجاد پایگاه‌های نظامی؛ افزایش توانمندی نظامی از طریق خریدهای تسلیحاتی سنگین عمدتاً از کشورهای غربی؛ دعوت از سازمان‌های امنیت جمعی نظیر ناتو برای حضور در منطقه در قالب «ابتکار همکاری استانبول» و بااولویت مبارزه با تروریسم و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶: ۸۰) متوازن نمودن قدرت در سطح منطقه خلیج فارس را در دستورکار خود قرار دهند.

این در حالی است که «ایران از زمان مرگ نادرشاه افشار در ۱۷۴۷ تاکنون سیاست‌های توسعه‌ارزی نداشته است بلکه برعکس، در این مدت که حدود دو قرن و نیم به‌طول انجامیده، مثل برف از هر طرف آب شده است» (جعفری ولدانی، ۱۳۸۵: ۱۴).

مطابق آمارهای مرکز معتبر «موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم» یا «SIPRI»، بودجه نظامی ایران برحسب رقم در جایگاه ششم، بر حسب درصد از تولید ناخالص ملی (GDP) در جایگاه یازدهم کشورهای غرب آسیا (خاورمیانه) و جایگاه جهانی ایران در فهرست واردکنندگان سلاح در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۴ در رتبه ۸۳ و در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۳ در رتبه ۷۸ بوده است که نشان می‌دهد مخارج نظامی ایران حتی از بسیاری از کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس که وسعت آن‌ها

۱۸۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

به اندازه یک پنجم وسعت ایران نیست، کمتر می باشد.

جدول ۳. بودجه نظامی کشورهای غرب آسیا

ردیف	نام کشور	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
۱	بحرین	۱۳۸۵	۱۴۷۵	۱۴۰۱	۱۴۳۰
۲	مصر	۴۶۶۲	۵۰۸۵	۵۳۶۲	۵۴۷۷
۳	ایران	۹۹۸۴	۹۹۰۱	۹۹۶۹	۱۰۲۶۵
۴	عراق	۸۰۷۰	۹۵۱۶	۱۲۸۷۳	۱۳۱۲۱
۵	اسرائیل	۱۷۱۱۰	۱۸۱۰۶	۱۷۵۱۲	۱۶۱۰۱
۶	اردن	۱۴۸۶	۱۵۵۰	۱۶۱۳	۱۶۱۶
۷	کویت	۵۸۴۴	۵۹۴۲	۴۴۴	۴۴۴
۸	عمان	۱۱۸۰۷	۱۰۹۵۱	۹۸۴۳	۹۸۸۳
۹	لبنان	۱۹۷۲	۲۲۷۰	۲۲۳۶	۲۲۳۹
۱۰	عربستان سعودی	۶۸۸۱۰	۸۰۷۶۲	۸۵۳۵۴	۸۷۱۷۶
۱۱	ترکیه	۱۷۶۲۶	۱۷۷۷۰	۱۷۶۶۹	۱۵۲۷۵
۱۲	امارات متحده عربی	۲۴۱۱۴	۲۲۷۵۵	۴۴۴	۴۴۴
۱۳	یمن	۱۷۸۳	۱۷۱۵	۴۴۴	۴۴۴

(SIPRI, n.d. b, p.21)

لازم به ذکر است که ارقام مندرج در جدول فوق برحسب میلیون دلار و به قیمت ثابت دلار در سال ۲۰۱۴ می باشد. در جدول زیر سهم بودجه نظامی کشورهای غرب آسیا (خاورمیانه) از تولید ناخالص ملی (GDP) برحسب درصد ذکر گردیده است:

جدول ۴. سهم بودجه نظامی کشورهای غرب آسیا (خاورمیانه) از تولید ناخالص ملی

ردیف	نام کشور	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
۱	بحرین	۳/۹	۴/۱	۴/۴	۴/۶
۲	مصر	۱/۸	۱/۶	۱/۷	۱/۷
۳	ایران	۲/۸	۲/۳	۲/۳	۲/۵
۴	عراق	۳/۳	۳/۹	۴/۹	۹/۱
۵	اسرائیل	۵/۷	۵/۸	۶	۵/۴

← رتالیسم تدافعی و تهاجمی ۱۸۵

ردیف	نام کشور	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
۶	اردن	۴/۸	۴/۳	۴/۳	۴/۲
۷	کویت	۳/۴	۳/۲	۳/۴	؟؟؟
۸	عمان	۱۶/۲	۱۵	۱۳/۹	۱۶/۲
۹	لبنان	۴	۴/۱	۴/۵	۴/۱
۱۰	عربستان سعودی	۷/۷	۹	۱۰/۷	۱۳/۷
۱۱	ترکیه	۲/۳	۲/۳	۲/۲	۲/۱
۱۲	امارات متحده عربی	۵/۱	۶/۱	۵/۷	؟؟؟
۱۳	یمن	۵	۴/۷	۴/۶	؟؟؟

(SIPRI, n.d. a ,p.14)

۱- اتحادهای ایران با کشورهای نظیر سوریه و گروه‌هایی غیر دولتی نظیر حزب ا... لبنان، حماس، جنبش صابرین و ... متوجه اسرائیل و به منظور مقابله با توسعه‌طلبی اسرائیل می‌باشد و نه علیه کشورهای عربی.

۲- عمده تجهیزات نظامی دارای ماهیت تدافعی می‌باشند. در گزارش «موسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک»<sup>۱</sup> تنوع موشک‌های جمهوری اسلامی به شرح ذیل ذکر گردیده است:

جدول ۵. تنوع موشک‌های جمهوری اسلامی

ردیف	نام موشک	برد (کیلومتر)	نوع سوخت	توضیحات
۱	فجر-۳ / ۵	۷۵/۴۵	جامد	راکت با برد متوسط
۲	زلزال-۱ / ۳-۲	۳۰۰/۲۱۰/۱۲۵	جامد	راکت با برد بلند
۳	فاتح-۱۱۰	۳۰۰	جامد	موشک مشتق شده از راکت‌های سری زلزال
۴	خلیج فارس	۳۰۰	جامد	موشک بالستیک ضدکشتی با هدایت الکترو اپتیکال- مشتق شده از موشک فاتح-۱۱۰
۵	هرمز-۱ / ۲	۳۰۰	جامد	هرمز-۱ ضد رادار / هرمز-۲ ضد کشتی - مشتق شده از موشک فاتح-۱۱۰
۶	شهاب-۱	۳۰۰	مایع	مشتق شده از موشک اسکاد- بی روسیه همراه با کره شمالی
۷	شهاب-۲	۵۰۰	مایع	مشتق شده از موشک اسکاد- سی روسیه همراه با کره شمالی

<sup>۱</sup>. The Washington Institute for Near East Policy

ردیف	نام موشک	برد (کیلومتر)	نوع سوخت	توضیحات
۸	فاتح-۳۱۳	۵۰۰	جامد	نمونه‌ای از موشک فاتح-۱۱۰ با برد بلندتر
۹	ذوالفقار	۷۰۰	جامد	نمونه‌ای از موشک فاتح-۳۱۳ با برد بلندتر
۱۰	قیام	۸۰۰	مایع	بدون بالک <sup>۱</sup> و مشتق شده از موشک شهاب-۲
۱۱	شهاب-۳	۱۰۰۰	مایع	مشتق شده از موشک نودونگ کره شمالی
۱۲	قدر	۱۶۰۰	مایع	مشتق شده از موشک شهاب-۳
۱۳	عماد	۱۷۰۰	مایع	مشتق شده از موشک قدر
۱۴	سجیل-۲	+۲۰۰۰	جامد	موشک چند مرحله‌ای، تست پروازی انجام شده ولی موشک عملیاتی نیست
۱۵	BM-25	۴۰۰۰	مایع	ساخت کره شمالی طراحی شده برپایه موشک بالستیک R-27 روسیه با قابلیت شلیک از زیردریایی، وضعیت تست پروازی موشک مشخص نیست
۱۶	یا علی	۷۰۰	توربو جت	موشک کروز هواپایه جهت حمله به اهداف زمینی <sup>۲</sup> ، وضعیت عملیاتی مشخص نیست
۱۷	سومار	۲۵۰۰-۳۰۰۰	توربو فن	موشک کروز زمین پایه جهت حمله به اهداف زمینی <sup>۳</sup> برپایه موشک روسی Kh-55

(Eisenstadt, 2016, p. 4)

نحوه چینش سایت‌های پرتاب موشک و پراکندگی این سایت‌ها در سراسر کشور نیز از تلاش استراتژیست‌های نظامی ایران برای حفظ این سایت‌ها در مقابل حملات موسوم به «ضربه اول» دشمن (خاصه ایالات متحده آمریکا با توان هوایی فوق‌العاده) نشان دارد. «موشک‌های ضدکشتی کروز و بالستیک» ایران نظیر موشک‌های کروز ضدکشتی کوثر (نمونه بومی موشک C-701)، نور (نمونه بومی و بهینه شده C-802)، قادر، HY-2، رعد (نمونه بومی و توسعه یافته موشک HY-2)، نصر یک (نمونه بومی موشک C-704)، تندر، یاخونت SS-N-26 (با نام ناتوی استروبیبل)، هارپون (AGM-84)، FL-6، FL-10، موشک بالستیک ضدکشتی «خلیج فارس» و راکت‌های دریایی فلق-۲، فجر-۳ و فجر-۵ (رضایی و تقوی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۷۲)، «زیردریایی‌ها»<sup>۴</sup> نظیر زیردریایی‌های کلاس کیلو (877EKM Kilo-class) از جمله «طارق ۹۰۱»، «نور ۹۰۲» و «یونس ۹۰۳»؛ زیردریایی کوچک<sup>۴</sup> کلاس «غدیر (IS-120)»؛ زیردریایی کوچک کلاس «نهنگ»؛ زیردریایی نیمه‌سنگین

<sup>1</sup> Finless

<sup>2</sup> Air-launched land-attack cruise missile

<sup>3</sup> Ground-launched land-attack cruise missile

<sup>4</sup> Midjet

کلاس «فاتح» و زیردریایی بسیار کوچک سازگار با رطوبت کلاس «سابحات ۱۵» و «غواصی (نمونه بومی Chariot)» (Cordesman and Wilner, 2012, pp. 116-119) «فایق‌های کوچک تندرو» نظیر «کمان (COMBATTANTE II)»، «C-14»، «هنگام»، «کیوان»، «پروین (PGM-7I)»، «پیکاپ II»، «پیکاپ I»، «US MK III»، «US MK II»، «تیر»، «لیان ۱۱۰»، «LST»، «SEWART»، «MIL 40»، «MIL 55»، «TARLAN»، «MK 13»، «MIG-G-1900»، «کربلا (MIG-S-3700)»، «فائم (MIG-S-1800)»، «مورس (MIG-G-0900)»، «ایران هرمز ۲۴»، «ایران هرمز ۲۱»، «ولینگتون (MK 5)»، «ولینگتون (MK 4)»، «کژدم II» (Federation of American Scientists (FAS), 2009, p. 15) و «مین‌های دریایی» نظیر مین‌های MDM-6 روسی و EM-11، EM-31، EM-55، MC-52، EM-52 و EM-11.

چینی به‌عنوان اصلی‌ترین تجهیزات نظامی ایران ماهیتی تدافعی دارند و نه تهاجمی.

۱- هیچ‌یک از دکترین‌ها، مانورها و تمرین‌های نظامی ایران ماهیت تهاجمی ندارند.

۲- یکی از عمده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های نظامی ایران در بخش پدافند هوایی انجام گرفته است. موسسه بسیار معتبر و مرجع «موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی» در ارزیابی سال ۲۰۱۶ خود، ترکیب و تعداد سامانه‌های پدافند هوایی جمهوری اسلامی را این‌گونه ذکر نموده است: ۲۵۰ پرتاب‌گر «FM-80 (نمونه چینی سامانه کروئال)»، ۳۰ پرتاب‌گر راپیر، ۱۵ پرتاب‌گر تایگرکت، بالای ۱۵۰ پرتاب‌گر «MIM-23B» شامل سامانه‌های اورجینال «I-HAWK» و بومی سازی شده «مرصاد»، ۴۵ پرتاب‌گر «SA-2 S-75»، ۱۰ پرتاب‌گر «SA-5S-200»، ۲۹ پرتاب‌گر «تور-ام یک (SA-15)».

در این ارزیابی همچنین به وجود سامانه‌های دوش پرتاب «استینگر (FIM-92A)»، «استرلا-۲ (9K32 یا SA-7)»، «استرلا-۳ (9K36 یا SA-14)»، «ایگلا-اس (9K338 یا SA-24)»، «میثاق-۱ (QW-1)»، «میثاق-۲ (QW-2)» و «HN-54» اشاره شده است. مطابق این ارزیابی، توپ‌های پدافند هوایی جمهوری اسلامی شامل ۱۰۰ عراده توپ ۲۳ میلی‌متری «ZSU-23-4»، توپ ۲۳ میلی‌متری «ZU-23»، توپ ۳۷ میلی‌متری «اورلیکن»، ۸۰ عراده توپ ۵۷ میلی‌متری «ZSU-57-2»، ۹۴ عراده توپ ۱۴/۵ میلی‌متری «ZPU-2» و «ZPU-4»، ۳۰۰ عراده توپ ۲۳ میلی‌متری «ZU-23-2»، ۹۲ عراده توپ ۳۵ میلی‌متری «اسکای‌گارد»، توپ ۳۷ میلی‌متری «M-1939»، ۵۰ عراده توپ ۴۰ میلی‌متری «L/70»، ۲۰۰ عراده توپ ۵۷ میلی‌متری «S-60» و ۳۰۰ عراده توپ ۸۵ میلی‌متری «M1939» می‌باشد (The International Institute for Strategic Studies, 2016, pp.328-330).

۱۸۸ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

در گزارش «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل»<sup>۱</sup> علاوه بر سامانه‌های فوق، وجود سامانه‌های «SA-6» و «SA-22» در ایران مورد تأیید قرار گرفته است (Cordesman & Toukan, 2016, p.109).

«موسسه مطالعات امنیت ملی»<sup>۲</sup> که یک موسسه اسرائیلی می‌باشد در ارزیابی سال ۲۰۱۳ خود به وجود سامانه‌های پدافند هوایی «رعد (سام-۱۷)» و «RBS-70» علاوه بر موارد فوق اشاره شده است (The Institute for National Security Studies, 2013, p.19). ضمناً به موارد فوق می‌باید سامانه قدرتمند «اس-۳۰۰» را هم افزود. ماهیت این سامانه‌ها تنها دفاعی می‌باشند.

۳- در مورد توان هوایی به‌عنوان اصلی‌ترین سلاح جهت انجام حملات موسوم به «ضربه اول» نیز باید گفت که جمهوری اسلامی کمترین میزان سرمایه‌گذاری نظامی را در بخش هوایی خود انجام داده است. در ارزیابی «موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی» که در سال ۲۰۱۶ منتشر گردیده تعداد جنگنده‌های ایران به شرح ذیل قید گردیده است:

جدول ۶. الف) تعداد جنگنده‌های ایران

ردیف	نام جنگنده	تعداد	ردیف	نام جنگنده	تعداد
۱	F-14 A	۴۳	۸	Su-25 UBK	۳
۲	MiG-29 A/U/UB	۳۶	۹	Su-24 MK	۳۰
۳	F-7 M	۲۴	۱۰	Mirage F-1E	۱۰
۴	F-4 D/E	۶۴	۱۱	P-3 MP	۵
۵	F-5 E/F	+۵۵	۱۲	صاعقه	بالای ۶
۶	F-5 B	۲۰	۱۳	آذرخش	بالای ۶
۷	Su-25 K	۷	۱۴	EMB-312 Tucano	۱۵

(The International Institute for Strategic Studies, 2016, p.330)

همچنین در دو مقاله منتشره از سوی «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل» یکی در سال ۲۰۱۶ و دیگری در سال ۲۰۱۵ نیز به تعداد جنگنده‌های ایرانی به شرح ذیل اشاره شده است.

<sup>۱</sup>. Center for Strategic and International Studies (CSIS)

<sup>۲</sup>. Institute for National Security Studies (INSS)



جدول ۷. ب) تعداد جنگنده‌های ایران

ردیف	نام جنگنده	تعداد مطابق آمار سال ۲۰۱۵	تعداد مطابق آمار سال ۲۰۱۶
۱	F-14 A	۴۳	۴۳
۲	MiG-29 A/UB	۳۶	۳۶
۳	F-7 M	۲۴	۲۴
۴	F-4 D/E	۶۵	۶۴
۵	F-5 B/E/F	۷۵	۷۵
۶	Su-25	۱۳	۱۰
۷	Su-24	۳۰	۳۰
۸	F-1E Mirage	_____	۱۰

(Cordesman & Toukan, 2016, p.97)

(Cordesman & Lin, 2015, p.49)

عمر جنگنده‌های غربی به ۴۰ تا ۵۰ سال می‌رسد و جنگنده‌های روسی نیز بین ۲۰ تا ۳۰ سال عمر دارند. «مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک (CSIS)» در تحقیق مفصل خود با عنوان «ایران - شورای همکاری خلیج فارس: تحلیل [توان] عملیاتی نیروی هوایی، پدافندی و موشکی»<sup>۱</sup> با تجزیه و تحلیل دقیق، برتری نیروی هوایی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با جنگنده‌هایی نظیر «F-15»، «F-16»، «Mirage-2000» و «Tornado ADV» را در مأموریت‌هایی مرتبط با «ضربه اول» نظیر «SEAD» (سرکوب دفاع هوایی دشمن)، «برتری هوایی»<sup>۲</sup>، «گشت هوایی»<sup>۳</sup> و ... اثبات نموده است. (Toukan and Cordesman, 2009, pp. 44-93)

ماهیت برنامه هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز می‌باشد و مقام معظم رهبری به عنوان رهبر عالی جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی فتوای ممنوعیت استفاده از تسلیحات هسته‌ای را صادر نموده‌اند.

<sup>۱</sup>. GCC - Iran: Operational Analysis of Air, SAM and TBM Forces

<sup>۲</sup>. Suppression of Enemy Air Defense

<sup>۳</sup>. Air Superiority

<sup>۴</sup>. Combat Air Patrol (CAP)

۱۹۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

بنابر این موارد، جمهوری اسلامی اعلام می‌دارد که هیچ‌گاه به دنبال افزایش «قدرت» خود جهت حمله به همسایگان نبوده است و ارتقای توانمندی‌های نظامی ایران تنها با هدف افزایش «امنیت» جمهوری اسلامی می‌باشد تا در موقع حمله نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به خاک ایران، آمادگی مقابله با تجاوزکاران را داشته باشد.

### روش تحقیق

این تحقیق از نوع نظری بوده که در آن نظریه‌های رئالیسم تدافعی و تهاجمی به منظور تجزیه و تحلیل وقایع و رخدادهای امنیتی - نظامی منطقه خلیج فارس به کار گرفته می‌شوند. از نظر تجزیه و تحلیل نیز این پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار دارد. نحوه جمع‌آوری داده‌ها نیز استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی (گزارش هیأت‌های اندیشه‌ورز یا اندیشه‌سازهای معتبر غربی درباره توان نظامی جمهوری اسلامی) می‌باشد.

### تجزیه و تحلیل

از مجموع آنچه که ذکر گردید باید به شش نکته کلیدی توجه نمود:

- ۱- در سطح کشورهای منطقه خلیج فارس دو معمای امنیتی شکل گرفته است که یکی برای جمهوری اسلامی و دیگری برای کشورهای عربی منطقه می‌باشد.
- ۲- «معمای امنیتی» شکل گرفته برای جمهوری اسلامی بیش از همه ناشی از حضور ایالات متحده در منطقه غرب آسیا در پنج قالب (۱) سنتکام؛ (۲) ناوگان پنجم دریایی مستقر در بحرین؛ (۳) ناوهای هواپیمابر اعزامی به منطقه؛ (۴) پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در کشورهای منطقه خلیج فارس و (۵) وجود دولت متحد ایالات متحده در منطقه یعنی «اسرائیل» به همراه حضور نظامی در دو کشور افغانستان (از اکتبر ۲۰۰۱ به بعد) و عراق (از مارس ۲۰۰۳ به بعد) اگرچه از هر دو کشور خارج شده می‌باشد.
- ۳- «معمای امنیتی» شکل گرفته برای کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نیز ناشی از رخداد‌های سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش ایران جهت افزایش توان نظامی از طریق ساخت یا خرید تجهیزات نظامی پیشرفته و پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای از سوی ایران می‌باشد.

۴- با ارائه شاخص‌هایی می‌توان بر این دو معمای امنیتی غلبه نمود. این سه شاخص که «ویژگی‌های تسلیحات»، «انگیزه و قابلیت برای وارد نمودن ضربه اول» و «عوامل نظامی شامل تکنولوژی نظامی، دکترین، موقعیت و نحوه استقرار نیروهای نظامی» هستند و از نظریه «موازنه حمله/دفاع» استخراج گردیده‌اند، از مهم‌ترین شاخص‌ها جهت تشخیص نیت تهاجمی یا تدافعی دولت‌ها می‌باشند.

۵- با اعمال این سه شاخص بر توان نظامی جمهوری اسلامی این نکته بسیار کلیدی استخراج گردید که سوابق تاریخی؛ مقایسه بودجه نظامی جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه (که وسعت برخی از آنان به اندازه یک‌پنجم وسعت ایران نیست)؛ اتحاد جمهوری اسلامی با کشورها و گروه‌هایی غیر دولتی نظیر حزب ا... لبنان، حماس، جنبش صابرین و ... که متوجه اسرائیل (و نه کشورهای منطقه) می‌باشد؛ ماهیت تدافعی عمده تجهیزات نظامی؛ ماهیت تدافعی دکترین‌ها، مانورها و تمرین‌های نظامی ایران و سرمایه‌گذاری نظامی عمده در بخش پدافند هوایی موید این مطلب هستند که «معمای امنیتی» شکل گرفته برای کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس بلاوجه می‌باشد.

۶- ارتقای روزافزون توان نظامی جمهوری اسلامی برای مقابله با تهدید ایالات متحده و حضور نظامی این کشور در سطح منطقه می‌باشد.

### **نتیجه‌گیری و پیشنهاد**

زمانی که اکثریت مردم و نخبگان جمهوری اسلامی آزمایش‌های موشکی نهادهای نظامی را از صحنه تلویزیون تماشا می‌کنند، شاید این فکر به ذهن کمتر کسی متبادر گردد که هدف از چنین آزمایش‌هایی زمینه‌چینی برای حمله به کشورهای عرب منطقه باشد. زیرا کسی از مردم و نخبگان حتی این احتمال را به خود راه نمی‌دهند، ایران که از زمان مرگ نادر شاه افشار به هیچ کشوری حمله نکرده امروزه و در قرن بیست و یکم قصد داشته باشد به کشور دیگری حمله نماید. اما آیا مردم و نخبگان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که خبر آزمایش‌های موشکی جمهوری اسلامی را در مهم‌ترین بخش‌های خبری الجزیره و العربیه مشاهده می‌کنند نیز چنین فکر می‌کنند؟ پاسخ قطعاً منفی است. اغلب آن‌ها معتقدند که توان

۱۹۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

نظامی جمهوری اسلامی روزبه‌روز در حال گسترش می‌باشد و جمهوری اسلامی به دنبال افزایش قدرت خود می‌باشد و این برای کشورهای عرب منطقه یک خطر می‌باشد. نیاز امروز منطقه است که چنین معماها و پرسش‌هایی پاسخ گفته شوند. اما برای غلبه بر معماهایی از این دست چه باید کرد؟

از یک طرف جمهوری اسلامی به حضور نظامی ایالات متحده در پنج قالب «سنتکام»، «ناوگان پنجم دریایی مستقر در بحرین»، «پایگاه‌های ایالات متحده در سطح منطقه خلیج فارس»، «ناوهای هواپیما بر اعزامی به منطقه خلیج فارس» و «اسرائیل» اشاره می‌نماید و حوادث تاریخی نظیر حمله نظامی ایالات متحده به ایران در ماجرای طبس در سحرگاه پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ (۲۴ آوریل ۱۹۸۰)، حمایت ایالات متحده از کودتای نوژه که در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ (۸ جولای ۱۹۸۰) ختی گردید، حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی از ارتش صدام حسین و درگیری محدود نظامی ایالات متحده با نیروهای ایرانی در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را متذکر می‌گردد. همچنین استدلال می‌نماید که گزینه «Regime Change» از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ همواره روی میز روسای جمهور ایالات متحده قرار داشته است. بنابراین مجبور است که جهت افزایش «امنیت» خود توانمندی نظامی خود را ارتقا بخشد تا در موقع حمله نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به خاک ایران، آمادگی مقابله با تجاوزکاران را داشته باشد.

از آن سو کشورهای عرب منطقه خلیج فارس ارتقای قابلیت‌های نظامی ایران در کنار مواردی نظیر پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را نشانه‌ای از عزم ایران جهت افزایش «قدرت» و محیا شدن جهت حمله به این کشورها و بلعیدن آن‌ها برمی‌شمارند.

اما به راستی کدام یک درست می‌گویند؟ چگونه می‌توان بر این دو معما غلبه نمود؟ نظریه‌های رئالیستی برای حل نمودن معماهایی از این دست راهکارهایی دارند. یکی از این نظریه‌های رئالیستی، «نظریه موازنه حمله/دفاع» می‌باشد که سه شاخص «ویژگی‌های تسلیحات»، «انگیزه و قابلیت برای وارد نمودن ضربه اول» و «عوامل نظامی شامل تکنولوژی نظامی، دکترین، موقعیت و نحوه استقرار نیروهای نظامی» را جهت تشخیص نیت تهاجمی یا تدافعی دولت‌ها معرفی می‌نماید. سه شاخصی که این پژوهش آن‌ها را در

رابطه با جمهوری اسلامی به کار گرفت و متناظر با شاخص‌های سه‌گانه فوق‌الذکر این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که اولاً) عمده تسلیحات جمهوری اسلامی نظیر موشک‌ها، سامانه‌های پدافندی و ... ماهیت دفاعی دارند. ثانیاً) با استناد به گزارش «مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک (CSIS)» نشان داده شد که نیروی هوایی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس با جنگنده‌هایی نظیر «F-15»، «F-16»، «Mirage-2000» و «Tornado ADV» به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار وارد آوردن «ضربه اول» در مأموریت‌هایی مرتبط با «ضربه اول» بر جمهوری اسلامی برتری دارند و بنابراین جمهوری اسلامی با جنگنده‌هایی متعلق به ۳۰ تا ۵۰ سال قبل، انگیزه و قابلیت وارد نمودن ضربه اول را ندارد و ثالثاً) هیچ‌یک از دکتربین‌ها، مانورها و تمرین‌های نظامی ایران ماهیت تهاجمی ندارند. بنابراین معمای امنیتی که حول ارتقای توانمندی‌های نظامی جمهوری اسلامی شکل گرفته بلاوجه می‌باشد. نکته دیگری که باید بدان اشاره نمود امکان انجام جهاد ابتدایی یا همان جهاد تهاجمی در زمان غیبت امام معصوم و بدون اذن ایشان می‌باشد که اکثریت (و نه همگی) فقهای امامیه حضور معصوم یا منصوب امام معصوم را از الزامات جهاد ابتدایی می‌دانند و جمهوری اسلامی با توجه به دیدگاه این دسته از فقهای امامیه، نه تنها تاکنون به هیچ کشوری حمله ننموده است بلکه مقام معظم رهبری در دو مورد خاص مانع از ورود جمهوری اسلامی به دو جنگ تمام عیار گردیدند. یک مورد پس از عملیات‌های «سپر صحرا»<sup>۱</sup>، «طوفان صحرا»<sup>۲</sup> و «شمشیر صحرا»<sup>۳</sup> بود که نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده جهت بیرون راندن عراق از خاک عراق در سال ۱۹۹۱ انجام دادند. در این دوران رهبر معظم جمهوری اسلامی با اتخاذ یک سیاست منطقی و واقع‌گرایانه از ورود ایران به این جنگ به نفع هریک از طرفین جلوگیری نمودند و وقعی به اصرار برخی از سیاست‌مداران ایرانی که ضمن خطاب صدام باعنوان «خالد بن ولید» لزوم حمایت از رژیم بعث عراق در مقابله با حملات ائتلاف بین‌المللی را مورد تأکید قرار می‌دادند، نهادند. مورد دیگر پس از یورش نیروهای

---

<sup>۱</sup>. Operation Desert Shield

<sup>۲</sup>. Operation Desert Storm

<sup>۳</sup>. Operation Desert Sabre

۱۹۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

طالبان به کنسولگری ایران در شهر مزار شریف افغانستان در تاریخ هشت آگوست ۱۹۹۸ (۱۷ مرداد ۱۳۷۷) بود که علی‌رغم تصمیم اکثریت اعضای شورای عالی امنیت ملی جهت حمله به خاک افغانستان و نابودی طالبان و تصمیم به فراخوان ۱۰۰ هزار نیروی نظامی جهت استقرار در مرز با افغانستان، بازهم مقام معظم رهبری این تصمیم را وتو نمودند و مانع از تهاجم نظامی ایران به خاک افغانستان گردیدند.

### **پیشنهادات:**

اگرچه برخی از اقدامات و موضع‌گیری‌های برخی از مقامات کشورهای حوزه خلیج فارس ناشی از «ایران هراسی» کشورهای غربی و اسرائیل می‌باشد که خود این مقامات نیز بی‌تمایل نیستند بدان دامن بزنند، لکن پیشنهاد می‌گردد که نخبگان و شخصیت‌های دانشگاهی جمهوری اسلامی با استفاده از رسانه‌های جمعی مخصوصاً شبکه‌های اجتماعی استدلال‌های منطقی ایران جهت ارتقای قابلیت‌های نظامی را منتشر نمایند تا این موضوع که جمهوری اسلامی تنها به دنبال افزایش «امنیت» و نه «قدرت» خود می‌باشد برای نخبگان و مردم کشورهای عرب همسایه ایران روشن گردد.



**(ب) منابع انگلیسی:**

- Cordesman, A. H., & Toukan, A. (2016). Iran and The Gulf Military Balance. Retrieved from Center For Strategic & International Studies(CSIS) Website: [https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/161004\\_Iran\\_Gulf\\_Military\\_Balance.pdf](https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/161004_Iran_Gulf_Military_Balance.pdf)
- Cordesman, A. H., & Lin, A. (2015). The Iranian Sea-Air-Missile Threat to Gulf Shipping. Retrieved from Center For Strategic & International Studies (CSIS) website: [http://csis.org/files/publication/150219\\_Cordesman\\_IranAirSeaMissileThreat\\_Web.pdf](http://csis.org/files/publication/150219_Cordesman_IranAirSeaMissileThreat_Web.pdf)
- Cordesman, A. H. & Wilner, A. (2012). Iran and the Gulf Military Balance- I; The Conventional and Asymmetric Dimensions. Retrieved from Center For Strategic & International Studies(CSIS) website: [http://csis.org/files/publication/120221\\_Iran\\_Gulf\\_MilBal\\_ConvAsym.pdf](http://csis.org/files/publication/120221_Iran_Gulf_MilBal_ConvAsym.pdf)
- Eisenstadt, M. (2016). The Role of Missiles in Iran's Military Strategy. Retrieved from The Washington Institute for Near East Policy Website: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-role-of-missiles-in-irans-military-strategy>
- Federation of American Scientists (FAS) (2009). Iran's Naval Forces; From Guerilla Warfare To A Modern Naval Strategy. Retrieved from Federation of American Scientists(FAS) website: [www.fas.org/irp/agency/oni/iran-navy.pdf](http://www.fas.org/irp/agency/oni/iran-navy.pdf)
- Glaser, C. L. & Kaufma, C. (1998). What Is the Offense- Defense Balance and Can We Measure It?. *International Security*, Vol. 22, No. 4, Spring 1998, pp. 44-82
- Herz, J. H. (1950). Idealist Internationalism and the Security Dilemma. *World Politics*, Vol. 2, No.2, January 1950, pp. 157-180
- Jervis, R. (2001). Was the Cold War a Security Dilemma?. *Journal of Cold War Studies*, Vol. 3, No. 1, Winter 2001, pp. 36-60
- Jervis, R. (1978). Cooperation under the Security Dilemma. *World Politics*, Volume 30, Issue 2, January 1978,167-214
- Lobell, S. E. (2010). Structural realism/Offensive and defensive realism. in Robert A. Denemark. *The international studies Encyclopedia Volume X*. London: Willey-Blackwell.
- Lieber, K. A. (2000). Grasping the Technological Peace: The Offense-Defense Balance and International Security. *International Security*, Vol. 25, No. 1, Summer 2000, pp. 71-104



- Levy, J. S. (1984). The Offensive/Defensive Balance of Military Technology: A Theoretical and Historical Analysis. *International Studies Quarterly*, 28, 2, June 1984, pp. 219-238
- Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W.W. Norton
- Rose, G. (1998). Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy. *World Politics*, Vol. 51, No. 1, Oct., 1998, pp. 144-172
- SIPRI. (n.d. a). Data for all countries from 1988–2015 as a share of GDP (pdf). Retrieved from Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) Website: <https://www.sipri.org/sites/default/files/Milex-GDP-share.pdf>
- SIPRI. (n.d. b). Data for all countries from 1988–2015 in constant USD (pdf). Retrieved from Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) Website: <https://www.sipri.org/sites/default/files/Milex-constant-USD.pdf>
- Snyder, G. H. (2002). Mearsheimer's World— Offensive Realism and the Struggle for Security. *International Security*, Vol. 27, No. 1, Summer 2002, pp. 149–173
- Snyder, J. (1991). *Myths of Empire: Domestic Politics and International Ambition*, Ithaca, N.Y.: Cornell University Press.
- Taliaferro, J. W. (2000/01). Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited. *International Security*, Vol. 25, No. 3, Winter 2000/01, pp. 128–161
- The International Institution for Strategic Studies(IISS) (2016). The Military Balance 2016: Modernising military capabilities; familiar security challenges. Retrieved from The International Institution for Strategic Studies(IISS) Website: <https://www.iiss.org/en/publications/military%20balance/issues/the-military-balance-2016-d6c9>
- The Institute for National Security Studies (2013). Military Balance Files: Iran. Retrieved from The Institute for National Security Studies(INSS) Website: <http://www.inss.org.il/uploadimages/SystemFiles/iran.pdf>
- Toukan, A. & Cordesman, A. H. (2009). GCC - Iran: Operational Analysis of Air, SAM and TBM Forces. Retrieved from Center For Strategic & International Studies(CSIS) website: [http://csis.org/files/publication/090819\\_GCC\\_Iran\\_AirPower.pdf](http://csis.org/files/publication/090819_GCC_Iran_AirPower.pdf)
- United States Central Command (CENTCOM) (n.d. a). U.S. Central Command History. Retrieved from U.S. Central Command (CENTCOM) website: <http://www.centcom.mil/en/about-centcom-en/history-en>

۱۹۸ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

- United States Central Command (CENTCOM) (n.d. b). About U.S. Central Command (CENTCOM). Retrieved from U.S. Central Command (CENTCOM) website: <http://www.centcom.mil/en/about-centcom-en>
- Van Evera, E. (1998). Offense, Defense, and the Causes of War. *International Security*, Vol. 22, No. 4, Spring 1998, pp. 5–43
- Walt, S. M. (1992). Alliances, Threats, and U.S. Grand Strategy: A Reply to Kaufmann and Labs. *Security Studies*, 1 (3), pp. 448–482
- Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. Mass: Addison-Wesley.